

گریه می‌کنم بَرَات

گریه می‌کنم بَرَات

گریه داره روضه‌هات) ۲

پیر میشم پای غَمِت

(می‌میرم بَرَا عَزَات) ۲

گریه می‌کنم بَرَات

گریه داره روضه‌هات

پیر میشم پای غَمِت

(می‌میرم بَرَا عَزَات) ۲

(اولیا مُخَدَّره

کی دِلش اومد تو رو، به اِسَارَتِ بِیره

اولیا مُخَدَّره

به خدا سوختنِ من، از داغِ مِعْجَره

اولیا مُخَدَّره

خدا از هر کی گذشت، از شِمر نَگَدَره) ۲

وقتی می‌زنم صِدَات

سینه می‌زنم بَرَات

عُمَریه که می‌خونم

(روضه‌ی مُخَدَّرَات) ۲

سینه می‌زنم بَرَات

اولیا مُخَدَّره

تووی بَزَمِ می‌زمان، چه دیر می‌گذره

اولیا مُخَدَّره

داغِ چوبِ خِیْزَران، از نِیزه بَدَتره

اولیا مُخَدَّره

کاش چوبی که بالاست، (مُحَکَمِ پائین نَره) ۲

بَعْد از گودال، آزار دیدی

(بَعْد از عَبّاس، بازار دیدی) ۲

(تووی صَحْنِ با صَفَات، روضه می‌خونم بَرَات

این بار روضه می‌خونم، از قولِ بَرَادَرَات) ۲

از قولِ بَرَادَرَات

اولیا مُخَدَّره

عُرْبَتِ اینه که سَنان، با تو هم سَفَره

اولیا مُخَدَّره

چند دَفْعَه زَدَنِت، اونم چند نَفَره

اولیا مُخَدَّره

اون که دَسِتو بَسْتُ، از خدا بی‌خَبَره

اولیا مُخَدَّره

عُرْبَتِ اینه که سَنان، (با تو هم سَفَره) ۲

حَتَمًا بوده، بازوت زخمی

(مَثَلِ مادر، پَهْلوت زخمی) ۲

از بَدِ روزِ گاره، اگه زِینِت شده آواره

از بَدِ روزِ گاره، اگه تووی کوفه پا میذاره

از بَدِ روزِ گاره، (مگه جای زِینِت بازاره) ۲

نَظَحَتِ جَبینِها، بَدَنِ حَسنِ رو زَمینِها

نَظَحَتِ جَبینِها، (مادَرِش پیگرِشو نَبینِها) ۲

دورِ سَرِتِ بَگَرِدم، من بِدُونِ تو گُجا بَرِگَرِدم

دورِ سَرِتِ بَگَرِدم، (پاشو راهِ خِیمَه رو گُم کردم) ۲

بَعْدِ تو ما راهی مَقْتَلِ شُدیم

میونِ صَحْرا مُسْتَأْصَلِ شُدیم

حُرْمَتِ ما شِگَسته از لَحْظَه‌ای

که پُشتِ دَرِوازه مُعْطَلِ شُدیم

نَظَحَتِ جَبینِها، بَدَنِ حَسنِ رو زَمینِها

نَظَحَتِ جَبینِها، (مادَرِش پیگرِشو نَبینِها) ۲

(مَنو زابِه‌راه نَگن) ۲

دست و پا که می‌زنی، مادرو نگاه نَگن

مَنو زابِه‌راه نَگن

دست و پا که می‌زنی، مادرو نگاه نَگن

(یه نَفَرِ کاری کُنه) ۲

شِمر اومده بَرَا ما جُلوداری کُنه
